فرا رسیدن اربعین حسینی (ع) را تسلیت می گوییم

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ | ۱۹ صفر ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۳۷۸ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

Vol. 13 | No. 3378 | Mon. Aug 3. 2026

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

آمار از آرامش می گوید بازار از گرانی

ترمز تورم اجاره کشیده شد

صفحه ۵

اصلاح قیمت فرصت تازه‌ای برای سرمایه‌گذاران یا آغاز یک موج نزولی دیگر؟

آزمون سخت بیت‌کوین پس از یک ماه سبز

صفحه ۶

دوران جهش‌های بزرگ به پایان رسیده است؟

طلای جهانی در دوراهی ریسک و سیاست پولی

بازار جهانی طلا در یک سال گذشته یکی از پرنوسان‌ترین دوره‌های تاریخ خود را پشت سر گذاشته است. فلزی که همواره به عنوان مهم‌ترین دارایی امن جهان شناخته می‌شود، تحت تأثیر همزمان جنگ‌ها، تنش‌های ژئوپلیتیکی، سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی، نوسانات دلار و تغییر انتظارات سرمایه‌گذاران، مسیر کم‌سابقه‌ای را طی کرد؛ مسیری که ابتدا به ثبت رکوردهای تاریخی منجر شد و سپس با اصلاحی قابل توجه همراه شد. در اوج تنش‌های ژئوپلیتیکی ابتدای سال ۲۰۲۶، قیمت هر اونس طلا حتی از مرز ۵۵۰۰ دلار نیز عبور کرد و بالاترین رکورد تاریخ خود را به ثبت رساند، اما این روند دوام چندانی نداشت. با کاهش نسبی ریسک‌های سیاسی، تغییر انتظارات نسبت به سیاست‌های پولی امریکا و تقویت ارزش دلار، قیمت‌ها وارد فاز اصلاح شدند و اکنون چندین هفته است که بازار در محدوده حدود ۴۰۰۰ دلار در هر اونس نوسان می‌کند. این تغییر مسیر...

صفحه ۲ را بخوانید

۸

یادداشت-۱

معمای ما و جهان!

حسین حقگو

جامعه ایران دهه‌هاست و شاید بهتر آنکه یکی، دو قرن است که در دو راهه‌ای اضطراب‌آور قرار دارد: جهانی بودن و در جهان زیستن یا در خود فرو رفتن و در خود ماندن؟! پرسشی که شاید از پس مواجهه با جهان جدید با دوگانه استعمار در قالب چهره‌ای خشن و ستمکار و پیشرفت و توسعه با علم و تکنولوژی‌های به‌روز (ماشین بخار و ادوات نظامی و...) در ذهن و روان انسان ایرانی جا گرفت. جدالی تاریخی در درون و بیرون انسان ایرانی که هنوز نیز به شدت بر داوری ایرانیان و سیاستگذاران و تصمیم‌گیران نسبت به جهان اطراف موثر است. این دوگانگی را مثلا در تابلوی خیابان‌ها و حتی کوچه و پس کوچه‌های تهران و بسیاری از شهرهای ایران مشاهده می‌کنیم که با حروف انگلیسی در کنار نام فارسی درج شده است. در حالی که شاید سال‌ها تا سال بر اثر سیاست‌های اعمال شده، گذر یک خارجی به این خیابان‌ها و کوچه پس کوچه‌ها نیفتد. اما ظاهرا این خاطره یا میل و تمنای ارتباط با خارج و خارجی‌ها (فرنگی‌ها) غالب بر ذهن انسان ایرانی است که البته عجیب نیست که هزاران سال زندگی بر سر چهارراه تمدن و جاده ابریشم ذهن و روان ساکنان این سرزمین را چنین قوام داده است.

روزهای اخیر در کوران اخبار سیاسی و جنگی و موشک و پهپاد و... یک خبر در صدر خبرها قرار گرفت و آن ثبت جهانی «قلعه الموت» بود. اقدامی که با حدود دو دهه تلاش قابل ستایش خانم چوبک، باستانشناس برجسته انجام گرفت. ثبت «قلعه‌الموت و استحکامات وابسته به آنکه مساحتی حدود ۲۰۰۰ کیلومتر را در بر می‌گیرد صرفا نه ثبت یک بنا، بلکه ارج‌گذاری نهادی جهانی (یونسکو) به منظومه‌ای از دانش معماری، مهندسی دفاعی، فهم اقلیمی و هویت تاریخی ایرانیان است و روایتی از فراز و فرود یک تمدن و استمرار و دوام آن. اما انتقال این پیام‌ها به مردم و جامعه جهانی پس از ثبت تاریخی این مجموعه نیازمند پلن مدیریتی است که در آن برنامه‌ریزی برای گردشگری و ایجاد زیرساخت‌ها و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری به گردشگری انبوه و...» را در بر داشته باشد (اعتماد-۱۴۰۵/۸/۶) کاری سخت که دشواری آن کم از فرآیند کشف و ثبت جهانی این مجموعه تاریخی نیست.

مجموعه الموت نه اولین بنای ثبت جهانی شده کشورمان و یقینا نه آخرین آنهاست و تاکنون حدود ۳۰ اثر از ایران ثبت جهانی شده است. این میزان از آثار ثبت شده جهانی و هزاران اثر دیگر ثبت شده ملی، کشورمان را در میان ده کشور برتر دارای میراث جهانی قرار داده است. این البته غیر از جاذبه‌های بی‌نظیر طبیعی و اقلیمی و جغرافیایی و... است. کشوری که در تابستان می‌توان از پیست اسکی در ارتفاعات توچال برای شنا به آب‌های گرم خلیج‌فارس و... طی چند ساعت سفر کرد و به کویر سرزد و در کنار طبیعت بی‌نظیر شمال کشور اوقات خوشی را سپری کرد.

این مزیت‌ها اما عمدتا در قالب فهرست‌های آثار ملی و افتخارات تاریخی و... متاسفانه بلااستفاده باقی مانده است (جایگاه ۷۳ در بین ۱۱۹ کشور جهان و سهم حدود ۵ درصدی گردشگری از تولید ناخالص داخلی). در حالی که در همسایگی‌مان در کشور ترکیه گردشگری بیشترین میزان درآمد و ایجاد شبکه‌ای از کار و فعالیت و تولید محصولات اقتصادی و فرهنگی و خدماتی و... را فراهم آورده که طبق آخرین آمار رقم آن بیش از ۶۰ میلیارد دلار است (رتبه ۲۹ و سهم حدود ۱۱،۷ درصدی از تولید ناخالص داخلی با جذب حدود ۶۲ میلیون گردشگر در سال گذشته) یا بسیار دورتر و در مشابهت بسیار با وضعیت طبیعی و جایگاه تاریخی و تمدنی «قلعه‌الموت»، مجموعه تاریخی کوهستانی «ماچوپیچو» در کشور پرو قرار دارد که سالیان پذیرای میلیون‌ها گردشگر از اقصی نقاط جهان و حتی از کشورمان است.

لازمه بهره‌گیری از این مزیت‌های بی‌نظیر فرهنگی و تمدنی و قرار گرفتن گردشگری در فهرست منابع عظیم درآمدی و اشتغالزا و امنیت‌آور و شکل دادن به جایگاه ایران در ذهن مردم سایر کشورها، «فرصت» دیدن ارتباط با جهان و نه «تهدید» قلمداد کردن آن است. اینکه بر ترس تاریخی خود از ارتباط با جهان غالب شویم و مثلا «استقلال» را به «درونگرایی» و «خودکفایی» و ارتباط را به «نفوذ» معنا نکنیم و بدانیم که این سرزمین در صورت رفع تنش با جهان، معدن عظیم فرصت‌هاست. در این میان نحوه حل بحران «تنگه هرمز» به عنوان مهم‌ترین مساله روز ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک کشورمان شاید کلید حل این معما باشد. موضوعی که همین اخیرا در دستور کار کمیسیون حکمرانی اتاق تهران قرار گرفت (۱۴۰۵/۵/۱۰). امید که این بحران با تدبیر و عقل سلیم حل و فصل و فرصتی ایجاد شود تا جهانیان با آن روی دیگر قدرت و عظمت میهن‌مان که همانا مزیت‌های عظیم فرهنگی و تمدنی این سرزمین است و الموت یکی از نشانه‌های آن، آشنا و امکانی برای گذر از گذرگاه سخت حل معمای تاریخی «ما و جهان» باشد.

گزارش «تعادل» از بازی سهمیه‌ها در وقت اضافه

معمای بشکه‌های کاغذی اوپک پلاس!

گلناز پرتوی‌مهر | تصمیم اخیر ائتلاف اوپک پلاس برای افزایش نمادین تولید در ماه سپتامبر، بیش از آنکه تغییری واقعی در موازنه فیزیکی بازار نفت ایجاد کند، نمایانگر تلاش این کارتل بزرگ برای حفظ انسجام درونی در میانه تنش‌های ژئوپلیتیک است. افزایش ۱۸۸ هزار بشکه‌ای تولید روزانه که قرار است توسط هفت عضو کلیدی این گروه اجرایی شود، در عمل با دیواری بلند از موانع لجستیکی، تحریم‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای مواجه است. بررسی ریشه‌ای این تصمیم نشان می‌دهد که بازار نفت در آستانه ورود به فاز جدیدی از رقابت بر سر سهمیه‌ها و بازتعریف ظرفیت‌های پایه برای سال‌های آینده قرار دارد؛ روندی که می‌تواند پایداری این ائتلاف را با چالشی جدی مواجه کند...

صفحه ۳ را بخوانید

چرا تورم از سفره مردم عقب‌نشینی نمی‌کند؟

گرانی از جیب مردم بالا می‌رود

تعادل | **فرشته فریادرس** | تورم فقط در گزارش‌های آماری دیده نمی‌شود؛ پیش از آنکه آمارها آن را روایت کنند، سبد خرید خانوارها از آن خبر می‌دهد. بازار، این روزها برای بسیاری از خانواده‌ها دیگر فقط محل خرید نیست؛ جایی است که هر ماه کاهش قدرت خرید را به شکلی ملموس تجربه می‌کنند. افزایش پی‌درپی قیمت کالاهای اساسی حالا به رویدادی ماهانه تبدیل شده و خانوارها برای خرید همان اقلام همیشگی، ناچارند سهم بیشتری از درآمد خود را هزینه کنند. تازه‌ترین گزارش از متوسط قیمت کالاهای خوراکی در تیرماه ۱۴۰۵ نیز این واقعیت را تأیید می‌کند؛ گزارشی که نشان می‌دهد اگرچه قیمت برخی اقلام نسبت به خردادماه اندکی کاهش یافته...

صفحه ۷ را بخوانید

یادداشت-۲

زلزله از آنچه فکر می کنیم به ما نزدیک‌تر است

مهدی زارع

زمین لرزه‌های ۴ تیر ۱۴۰۵ شمال ونزوئلا، با زوج زمین لرزه‌های ۷.۲ و ۷.۵ با دو گسلش پیاپی به فاصله تنها ۳۹ ثانیه به کلانشهر کاراکاس و مناطق پیرامونی آسیب‌های مختلفی رساند. ویژگی‌های این زوج زلزله، آسیب گسترده به زیرساخت‌ها، نشت گاز و فروپاشی نظام درمانی هشداری جدّی برای کشورهایی با ریسک زلزله بالا مانند ایران است. ریسک‌های مشابه برای کلانشهرهای ایران به ویژه تهران، تبریز و مشهد پیامدهای سنگینی به همراه دارد. پدیده جفت‌زلزله تخریب سازه‌های آسیب‌دیده ونزوئلا را گسترده‌تر کرد. بسیاری از سازه‌ها پس از تکان اول (M۷،۲) دچار ترک‌های ساختاری شدید شدند اما بلافاصله با تکان دوم (M۷،۵) کاملا فرو ریختند. در شهرهایی مثل تهران یا تبریز، سازه‌های غیرمقاوم یا بافت فرسوده که ممکن است در یک زلزله تاب بیاورند، بر اثر زلزله پیاپی محتمل دوم به طور کامل آوار خواهند شد. خطر آتش‌سوزی‌های گسترده و نشت گاز مساله بعدی است. در زلزله کاراکاس نشت شدید گاز شهری یکی از ریسک‌های ثانویه اصلی بود. در تهران و کلانشهرهای ایران، شبکه متراکم و مویرگی گاز شهری در صورت عدم برخورداری از سیستم‌های قطع کن اتوماتیک مانند مورد زلزله ونزوئلا با آتش‌سوزی‌های سریالی مواجه می‌شود. در ونزوئلا نشت جدی گاز و انفجارهای متعدد رخ داد. مسوولان به طور پیشگیرانه برای جلوگیری از سوانح بعدی، گازرسانی به برخی مناطق را قطع کردند. اگرچه هیچ گزارش عمومی مستقیمی مبنی بر نسبت دادن آتش‌سوزی‌ها به «نبود شیرهای قطع خودکار» وجود ندارد، اما آسیب گسترده به شبکه خط لوله گاز ناشی از زلزله دلیل اصلی افزایش ریسک‌ها در رخداد ونزوئلاست.

این زلزله‌ها باعث آسیب شدید به شبکه خط لوله گاز شهری و باعث نشت گسترده گاز شد و هوا پر از بوی گاز نشتی و سیم‌های برق سوخته شد. این امر مستقیما منجر به انفجار شد. برای جلوگیری از آتش‌سوزی و انفجار، وزیر کشور، دیوسدادو کابلو، دستور قطع گاز برخی ساختمان‌ها و مناطق را داد و از ساکنان خواست ساختمان‌های آسیب‌دیده را تخلیه کنند. در ۲۸ ژوئن (چهارمین روز پس از زلزله)، انفجاری در یک سکوی نفتی که توسط شرکت نفتی دولتی PDVSA در ایالت آپوره، ونزوئلا اداره می‌شود، رخ داد. گزارش‌های رسمی اعلام کردند که انفجاری در ۲۹ ژوئن ناشی از «نشت گاز قابل اشتعال» بوده است. اگرچه ارتباط بین این حوادث و زلزله مشخص نیست، اما آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی پس از زلزله را برجسته می‌کند. ناحیه‌هایی از جنوب تهران و ری با رسوبات سست با خطر روانگرایی و برخی بخش‌های کوهپایه‌ای شمال تهران، تبریز و شیراز به شدت پتانسیل زمین‌لغزش شدید زمین را دارند که شالوده ساختمان‌های بلندمرتبه را تخریب می‌کند. در ونزوئلا چندین بیمارستان و مرکز امدادی بر اثر آسیب سازه‌ای یا قطع برق و آسیب‌های جانبی از مدار خارج شدند. در تهران، قرارگیری بسیاری از بیمارستان‌های اصلی در بافت‌های فرسوده یا در پهنه گسله، خطر فلج شدن کامل شریان‌های امدادی در نخستین ساعات پس از حادثه را به همراه دارد. مسدود شدن شریان‌های مواصلاتی و عدم امکان امدادرسانی: تراکم بالای جمعیت و معابر تنگ در بافت‌های فرسوده کلانشهرهای ایران باعث می‌شود ریزش آوار، معابر اصلی را کاملا مسدود کرده و حضور نیروهای زنده‌یاب و سنگین را تا روزها مختل کند. درس‌های کلیدی که ایران باید از این رخداد بگیرد را می‌توان فعلا در چند تیتر عنوان کرد؛ بازنگری در مدل‌های ریسک زلزله (با پذیرش سناریوی جفت‌زلزله) بخش زیادی از آیین‌نامه‌های ساختمانی زلزله و سناریوهای مدیریت بحران براساس وقوع یک تک‌زلزله اصلی و پس‌لرزه‌های کوچک‌تر طراحی شده‌اند. ایران باید مدل‌های تخریب در مهندسی زلزله و شبیه‌سازی بحران خود را بر پایه تکان‌های پیاپی و هم‌بزرگا در فواصل زمانی کوتاه‌مدت بازطراحی کند.

دوم آنکه تجهیز شبکه‌های شریانی به سیستم‌های قطع‌کننده هوشمند قطع فوری و هوشمند جریان گاز، برق و لتاژ بالا و سوخت در ثانیه‌های نخست زلزله، از وقوع انفجارها و آتش‌سوزی‌های ثانویه که تلفات را چند برابر می‌کنند جلوگیری خواهد کرد. سوم راه‌اندازی و توسعه سامانه هشدار سریع زلزله است. در زلزله کاراکاس، سامانه‌های هشدار پایه روی تلفن‌های همراه (مانند سامانه Android EEW) توانستند بین ۱۰ تا ۱۵ ثانیه قبل از رسیدن موج مخرب به حدود ۱۱ میلیون شهروند هشدار ارسال کنند. توسعه سریع و ملی سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام زلزله مبتنی بر شبکه حسگرها و تلفن‌های هوشمند در ایران می‌تواند جان هزاران نفر را نجات دهد.

چهارم مقاوم‌سازی شریان‌های حیاتی و مراکز درمانی پیش از وقوع بحران است. بیمارستان‌ها، سامانه‌های آب‌رسانی و خطوط ارتباطی نباید نقطه‌ضعف زنجیره بحران باشند. آسیب‌ناپذیری مراکز فرماندهی بحران و بیمارستان‌ها باید اولویت اول برنامه‌های عمرانی باشد. درنهایت آموزش عمومی برای مواجهه با «تکان‌های ناشی از چند زلزله پی‌درپی» است. پروتکل‌های پناه‌گیری شهروندان باید به‌روزرسانی شود. شهروندان باید بدانند که پس از پایان تکان اول نباید بلافاصله به داخل ساختمان‌های آسیب‌دیده بازگردند، زیرا احتمال وقوع تکان دوم یا پس‌لرزه بزرگ در دقایق نخست بسیار بالاست.

یادداشت-۳

پوست‌اندازی بازار سرمایه در برزخ ریسک‌های سیاسی

حسنا هادی

بازار سرمایه در مقطع کنونی در یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال غیرمتعارف‌ترین دوره‌های رفتاری خود قرار گرفته است. ترکیب عواملی نظیر عمق پایین بازار، محدودیت دامنه نوسان، سهم بالای سرمایه‌گذاران حقیقی و وزن بالای ریسک‌های سیاسی موجب شده است که فرآیند کشف قیمت بیش از آنکه متاثر از متغیرهای بنیادین باشد، تحت تاثیر جریان اخبار و انتظارات لحظه‌ای قرار گیرد. در چنین شرایطی، گاهی یک توییت یا موضع‌گیری چندخطی از سوی رییس جمهور امریکا قادر است ارزش انتظارات بازار را ظرف چند دقیقه دستخوش تغییر کند. سیگنال‌های مرتبط با کاهش تنش یا احتمال توافق، در نخستین ساعات معاملات به تشکیل ده‌ها هزار میلیارد تومان صف خرید منجر می‌شود و در مقابل، اخبار مرتبط با افزایش احتمال درگیری نظامی، ابتدا بازار ارز و حتی رفتار مصرف‌کنندگان در پمپ‌بنزین‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و سپس خود را در قالب صف‌های فروش سنگین در بورس نشان می‌دهد. نمونه اخیر این رفتار نیز به خوبی گویای همین واقعیت است. طی ساعات پایانی شب، بسیاری از رسانه‌های غربی از احتمال حمله نظامی سخن می‌گفتند و انتظارات منفی به سرعت در بازارهای موازی منعکس شد؛ اما تنها چند ساعت بعد، انتشار مواضعی مبنی بر کاهش احتمال درگیری، جهت انتظارات را تغییر داد. بازار تتر اصلاح شد و در آغاز معاملات، بورس با پیش‌گشایشی در حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان صف خرید، فعالان بازار را غافلگیر کرد. این نوسانات شدید، بیش از آنکه حاصل تغییر در ارزش ذاتی دارایی‌ها باشد، بازتاب تغییرات لحظه‌ای در «ادراک ریسک» سرمایه‌گذاران است. با این حال به نظر می‌رسد بازار سرمایه ایران نسبت به دوره‌های مشابه گذشته، به‌ویژه سال ۱۳۹۹، در حال تجربه نوعی بلوغ رفتاری است. پیش‌تر نیز اشاره کرده بودم که با تداوم این شرایط، بازار به تدریج نسبت به شوک‌های خبری دچار کاهش حساسیت خواهد شد؛ پدیده‌ای خبرزدایی نامیده می‌شود. به بیان دیگر، هر خبر سیاسی دیگر قادر نخواهد بود همانند گذشته موجی فراگیر از رفتارهای هیجانی ایجاد کند و سرمایه‌گذاران به مرور، میان «خبر» و اثر اقتصادی خبر تمایز قائل خواهند شد. تفاوت امروز بازار با سال ۱۳۹۹ نیز دقیقا در همین نقطه قابل مشاهده است. نخست آنکه بازار سرمایه از منظر ابزارهای مالی توسعه قابل توجهی یافته است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری، ابزارهای مبتنی بر طلا، صندوق‌های اهرمی، صندوق‌های بخشی، اوراق با درآمد ثابت و سایر ابزارهای مدیریت ریسک، امکان جابه‌جایی منطقی‌تر سرمایه را برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده‌اند. دوم آنکه دسترسی به اطلاعات بنیادی شرکت‌ها به مراتب ساده‌تر از گذشته شده است...

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۴

راه اثرگذاری یارانه

مجید گودرزی

در سال‌های اخیر، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها همواره یکی از مهم‌ترین ابزارها برای کاهش فشار اقتصادی بر خانوارها بوده است. اجرای طرح‌هایی مانند کالابرگ الکترونیکی نیز با همین هدف آغاز شد تا بخشی از افزایش هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در حوزه کالاهای اساسی، جبران شود. با این حال، تجربه نشان می‌دهد که موفقیت چنین سیاست‌هایی بیش از آنکه به میزان پرداخت یارانه وابسته باشد، به توانایی آن در حفظ قدرت خرید مردم در برابر تورم بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های طرح کالابرگ این بود که همزمان با اجرای آن، اقتصاد کشور با موجی از افزایش قیمت‌ها مواجه شد. در چنین شرایطی، یارانه‌ای که در ابتدا می‌تواند بخشی از هزینه‌های خانوار را پوشش دهد، اگر متناسب با نرخ تورم به‌روزرسانی نشود، به‌تدریج اثر خود را از دست خواهد داد. تجربه هدفمندی یارانه‌ها نیز دقیقا همین موضوع را نشان داد؛ یارانه‌ای که در ابتدای اجرا ارزش قابل توجهی داشت، به مرور زمان و در اثر تورم، بخش زیادی از قدرت خرید خود را از دست داد و دیگر نتوانست نقش موثری در بهبود معیشت مردم ایفا کند. از این رو، هر سیاست حمایتی زمانی موفق خواهد بود که دولت خود را متعهد به جبران آثار تورمی تصمیمات اقتصادی بداند. اگر قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند یا اقتصاد تحت تأثیر فشارهای داخلی و خارجی قرار می‌گیرد، پرداخت‌های جبرانی نیز باید متناسب با همان شرایط اصلاح شود؛ در غیر این صورت، فاصله میان هزینه‌های زندگی و درآمد خانوارها روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. البته باید پذیرفت که شرایط اقتصادی امروز کشور، تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از جنگ، تحریم‌ها و اختلال در تجارت خارجی، پیچیده‌تر از گذشته شده است. به همین دلیل، سیاست‌های حمایتی نباید صرفاً به پرداخت یارانه نقدی یا کالابرگ محدود شود، بلکه لازم است دولت به سمت راهکارهای ساختاری برای کاهش هزینه‌های زندگی مردم حرکت کند. در این میان، مسکن یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود معیشت خانوارها داشته باشد. امروز بخش بزرگی از درآمد بسیاری از خانواده‌های ایرانی صرف هزینه تأمین مسکن می‌شود و در چنین شرایطی، حتی پرداخت یارانه‌های نقدی نیز نمی‌تواند فشار اصلی بر بودجه خانوار را کاهش دهد. کشور از نظر منابع زمین و ظرفیت‌های قانونی برای توسعه ساخت‌وساز با محدودیت جدی روبرو نیست، اما استفاده موثر از این ظرفیت‌ها نیازمند سیاست‌گذاری کارآمد و اجرای دقیق قوانین است. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه تخصیص یارانه‌هاست...

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۵

چرا تجارت ایران گران تمام می‌شود؟

محمدرضا خدارحم

در فضای کسب‌وکار، فعالان اقتصادی بیش از آنکه از وجود قانون و مقررات گلایه داشته باشند، از نبود ثبات در اجرای آنها آسیب می‌بینند. تجربه نشان داده است که سرمایه‌گذار، تولیدکننده و واردکننده می‌توانند خود را با قوانین مشخص تطبیق دهند، اما زمانی که مقررات به صورت مستمر تغییر می‌کند یا رویه‌های اجرایی بدون اطلاع قبلی دستخوش تحول می‌شود، امکان برنامه‌ریزی، پیش‌بینی و مدیریت ریسک از بین می‌رود. این همان چالشی است که امروز بخش قابل توجهی از فعالان اقتصادی در تعامل با گمرک و سایر دستگاه‌های مرتبط با تجارت خارجی با آن مواجه هستند. اگرچه گمرک در ظاهر آخرین حلقه زنجیره تجارت خارجی است، اما بسیاری از مشکلاتی که در این نقطه بروز می‌کند، ریشه در تصمیمات و فرآیندهای دستگاه‌های مختلف دارد. تغییر در ضوابط ثبت سفارش، تاخیر در تخصیص ارز، اصلاح دستورالعمل‌های قیمت‌گذاری یا تغییر رویه‌های اجرایی، همگی در نهایت خود را در فرآیند اظهار و ترخیص کالا نشان می‌دهند. بنابراین، آنچه به عنوان «مشکل گمرک» شناخته می‌شود، در بسیاری از موارد نتیجه نبود هماهنگی میان نهادهای سیاستگذار و اجرایی است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت، فاصله زمانی طولانی میان ثبت سفارش و خرید واقعی کالاست. در شرایطی که واردکننده ماه‌ها در انتظار تخصیص ارز باقی می‌ماند، طبیعی است که قیمت کالا در بازار جهانی و همچنین هزینه‌های حمل‌ونقل تغییر کند. با این حال، زمانی که سامانه‌ها و ضوابط اجرایی امکان به‌روزرسانی اطلاعات را متناسب با شرایط جدید فراهم نکنند، فعال اقتصادی ناخواسته در معرض اتهام کم‌اظهاری یا مغایرت اطلاعات قرار می‌گیرد؛ در حالی که منشا این اختلاف، نه تخلف، بلکه طولانی شدن فرآیندهای اداری است. کندی ترخیص کالا نیز به یکی دیگر از عوامل افزایش هزینه‌های تجارت تبدیل شده است. در بسیاری از موارد، مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان همان مسیر و همان فرآیندهای زمانبری را طی می‌کنند که برای کالاهای مصرفی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که توقف مواد اولیه در گمرک، تنها به واردکننده آسیب نمی‌زند، بلکه زنجیره تولید، اشتغال و حتی بازار مصرف را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. هر روز تاخیر در ترخیص، به معنای افزایش هزینه‌هایی مانند انبارداری، دموراژ و خواب سرمایه است؛ هزینه‌هایی که در نهایت به قیمت تمام‌شده کالا منتقل می‌شود و مصرف‌کننده نیز بخشی از آن را پرداخت می‌کند. از سوی دیگر، با وجود پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی، هنوز بخش مهمی از فرآیندهای اجرایی بر پایه رویکردی مبتنی بر بی‌اعتمادی انجام می‌شود...

ادامه در صفحه ۳

سامانه پیامکی روزنامه تعادل به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.